



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت سالروز قیام ۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل

کارگران، زحمتکشان، زنان ستمدیده ایران، جوانان و روشنفکران انقلابی!

در آستانه ۱۹ بهمن، سالروز حماسه سیاهکل و ۲۲ بهمن سالروز قیام مسلحانه توده های مردم ایران علیه رژیم سلطنتی قرار گرفته ایم. سی و نهمین سالگرد حمله مسلحانه فدائیان خلق در روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به پاسگاه سیاهکل روز بنیان گذاری سازمان ما، و سی و یکمین سالگرد قیام مسلحانه توده های زحمتکش مردم در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم پهلوی، در حالی فرا رسیده است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، با وخیم ترین و عمیق ترین بحران سیاسی دوران حیات خود روبروست.

توده های مردمی که بیش از ۳۰ سال، تحت شدیدترین فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم حاکم قرار داشته و از شدت اختناق و ستم و سرکوب و استثمار به تنگ آمده اند، در ابعادی وسیع و گسترده به پا خاسته اند و در اشکالی تعرضی و رادیکال، به مصادف و رودروئی با رژیم جمهوری اسلامی روی آورده، و بر پیکر ارتجاع حاکم ریشه مرگ افکنده اند.

اختلاف و کشمکش در میان جناح های حکومتی، پیوسته تشدید شده و شکاف در راس هرم قدرت، روزه روز عمیق تر شده است. فشار از پائین، شدت کشمکش و درگیری در بالا را بلاانقطاع افزایش داده است. دستگاه حکومتی از هر سو شکاف برداشته است. از هم گسیختگی درونی هیات حاکمه و شکاف درون حکومت از یک سو، امواج توفنده و شعله ی خاموش ناشدنی تظاهرات خیابانی، شورش ها و قیام های محلی که از هر سو زبانه می کشند، از سوی دیگر، تعادل دستگاه حکومتی را به کلی برهم زده و رژیم حاکم را در آستانه فروپاشی قرار داده است.

کوشش های رژیم و جناح های آن برای آرام ساختن اوضاع و برای برون رفت از بحران و بن بست، به جانی نرسیده و با شکست روبرو شده اند. تشدید بیش از پیش فشار و سرکوب، گسترش ابعاد دستگیری ها و بازداشت ها، اعمال شکنجه های وحشیانه در زندان ها، افزایش اعدام ها، برپایی طناب دار و کشتار در ملاء عام و کوبیدن بر طبل کشتار و خون ریزی بیشتر برای ارباب مردم و برای بازگرداندن توده های مردم و جوانان و زنان آزادیخواه از خیابان ها به خانه ها، هیچگونه ثمری نداشته است.

بحران سیاسی عمیقی که از درون تضادهای اقتصادی و اجتماعی سربرآورده و سر تا پای رژیم را در خود فرو برده است، نه فقط با تشدید سرکوب و کشتار برطرف نشده، بلکه پیوسته گسترش بیشتری یافته و مدام ژرف تر شده است. هشت ماه مبارزه علنی و مستمر توده های مردم برای تغییر وضعیت موجود، تظاهرات مداوم دانشجویان، زنان و جوانان، شورش ها و قیام های محلی و سرانجام قیام قهرمانانه مردم تهران در ششم دی ماه، به خوبی نشان داد که توسل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به تشدید سرکوب و توحش و آدم کشی برای درهم کوبیدن جنبش آزادیخواهانه مردم و برای برون رفت از بحران، با شکست قطعی روبرو شده است.

بحران سیاسی موجود با کشتار و خون ریزی برطرف نخواهد شد چرا که این بحران ریشه های عمیقی در درون جامعه دارد. بحران سیاسی کنونی، محصول تضادهای انباشته شده در جامعه، مطالبات و خواست های متحقق نشده کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان، و نیاز جامعه به تحولاتی است که قیام و انقلاب توده های مردم زحمتکش ایران در ۳۱ سال پیش، می بایستی راه را بر آن می گشود. انقلابی که اما توسط سرمایه داران و مرتجعین مذهبی، مصادره و درهم شکسته شد. رژیم دیکتاتوری سلطنتی سرنگون شد، اما رژیم جمهوری اسلامی به رهبری خمینی مرتجع، استبدادی هولناک تر و دیکتاتوری خشن تر و وحشتناک تری را بر جامعه مسلط ساخت. نه فقط خواست ها و مطالبات و آمال های توده های مردمی که از رژیم سلطنتی به ستوده آمده و به انقلاب و قیام روی آورده بودند متحقق نشد و تضادهای جامعه لاینحل ماند، بلکه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سرکوب و کشتار و اختناق و بی حقوقی بیشتر و شدیدتری را بر مردم تحمیل نمود و تضادهای پیشین نیز بیش از پیش تشدید گردید. بنابراین بدیهی بود که بحران سیاسی بار دیگر و در ابعادی وسیع تر سربلند کند.

اکنون، بیش از پیش این حقیقت بر همگان آشکار شده است که توده های مردم ایران، دیگر نمی خواهند رژیم جمهوری اسلامی را که در طول حیات ننگین ۳۱ ساله خود، جز کشتار و سرکوب و اختناق، جز فقر و گرسنگی و بدبختی و بی حقوقی، ثمری نداشته است، تحمل نمایند. توده های مردم ایران اکنون دیگر نه فقط حاضر نیستند این رژیم ارتجاعی و استبدادی و ستمگر را تحمل نمایند، بلکه برای به زیر کشیدن آن و تعیین تکلیف نهایی با آن با شور و شجاعت کم نظیری پای در میدان مبارزه علنی و مستقیم با آن نهاده اند. ۳۱ سال پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، جامعه ایران یک بار دیگر آستان تحولات و دگرگونی های عظیم اجتماعی است و در آستانه انقلابی دیگر قرار گرفته است.

کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده ایران، جوانان و روشنفکران انقلابی!

شرایط کنونی جامعه ایران، اوضاع پیش از قیام سال ۵۷ را تداعی می کند. بحران سیاسی به حدی ژرف و عمیق و حاد، و شرایط به گونه ایست، که از هر جرقه ای می تواند حریقی بزرگ برپا شود. جنبش اعتراضی توده های مردم از ۲۳ خرداد سال جاری تاکنون، با سرعت شگفت آوری مراحل تکاملی خود را طی کرده است و تاکتیک ها و اشکال مبارزاتی و نیز شعارها و مطالبات مردم پیوسته رادیکال تر شده است. به رغم تمام این ها اما تناسب قوا هنوز به طور قطعی به سود انقلاب برهم نخورده است. این توازن زمانی به طور قطعی به سود انقلاب تغییر می کند که کارگران در شکل وسیع و سراسری به مبارزات جاری بپیوندند. تجربه انقلاب ۵۷، نقش و اهمیت یک اعتصاب عمومی سیاسی را که سازماندهی اصلی آن بر دوش طبقه کارگر ایران است، به همگان نشان داد. فراموش نکنیم که رژیم شاه زمانی حاضر شد صدای انقلاب مردم ایران را بشنود که کارگران، به ویژه کارگران صنعت نفت، دست به اعتصاب زدند و توده های مردم به اعتصاب عمومی سیاسی روی آوردند و از این طریق ضربات خردکننده ی مالی و سیاسی بر رژیم سلطنتی وارد ساختند. کاربست این تجربه است که جنبش انقلابی را گام مهمی به جلو خواهد برد. اعتصاب عمومی سیاسی، تمام ارگان ها و نهادهای سرکوب مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی را بکلی فلج می سازد، ناتوانی و ورشکستگی رژیم را به نهایت می رساند و شرایط را برای روی آوردن توده های مردم به قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فراهم می سازد.

درس دیگری که باید از انقلاب ۵۷ بیاموزیم و در انقلاب حاضر آن را بکار بندیم، تجربه شکست انقلاب است. انقلاب ۵۷ این واقعیت را به همگان نشان داد که اگر توده های کارگر و زحمتکشی که به انقلاب و قیام روی می آورند و رژیم را سرنگون می سازند، خودشان قدرت سیاسی را به دست نگیرند و به هر دلیل به وعده های طبقات دیگر اعتماد و یا دل خوش کنند و قدرت سیاسی را به دست آن ها بسپارند، انقلاب آن ها نیز با شکست و ناکامی روبرو می شود و خواست ها و آمال آن ها نیز متحقق نخواهد شد. بنابر این برای پیروزی انقلاب و تحقق مطالبات توده های مردم، مطلقاً ضروری است که کارگران و زحمتکشان ابتکار عمل را بدست گیرند، ارگان های اعمال قدرت خویش را سازماندهی کنند، خود را در شوراها متشکل سازند و از این طریق راه را بر نهادهای اعمال حاکمیت بورژواها و دست اندازی آن ها به قدرت سیاسی ببندند و با ایجاد حکومت شورایی، از طریق شوراها به اعمال حاکمیت بپردازند.

کارگران، زحمتکشان، زنان ستمدیده ایران، جوانان و روشنفکران انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی به پایان خط رسیده است. چشم انداز گسترش اعتراضات و قیام های توده ای در روزهای آینده از جمله در روز ۲۲ بهمن ۸۸، سران رژیم را شدیداً به وحشت انداخته و خواب را از چشم آن ها ربوده است. رژیم جمهوری اسلامی در اثر مبارزات و ضربات پی در پی شما، به شدت ضعیف و ناتوان گشته است. تحت چنین شرایطی، بایستی با شرکت هرچه وسیع تر خود در اعتراضات خیابانی، تظاهرات گسترده تری را سازماندهی کنید و به مصاف ورودر رونی بانظام حاکم برخیزید. خواستار آزادی زندانیان سیاسی شوید و با طرح شعارهای کوبنده خود مانند: مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و شعار نه سازش نه تسلیم نبرد تا پیروزی، حماسه دیگری بیافرینید و ضربه کاری را بر رژیم جمهوری اسلامی وارد سازید. جمهوری اسلامی، از درون فرو پاشیده و ناتوان تر و پوسیده تر از آن است که در برابر مبارزات متشکل و سراسری شما یارای ایستادگی داشته باشد. نبردی تاریخی و سرنوشت ساز در پیش است. طوفان سهمگین و بنیان کنی که وزیدن آغاز کرده است می رود تا بساط رژیم و کلیه مرتجعین حاکم را برای همیشه جاروب کند.

سازمان ما که اکنون وارد سی و نهمین سال حیات خویش می شود، همواره مدافع منافع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه، مدافع منافع عموم توده های زحمتکش و ستم دیده بوده است و در تمام طول این سال ها با استواری و پیگیری در راه آزادی و سوسیالیسم پیکار نموده است، هم چنان همراه با توده های کارگر و زحمتکش برای تحقق این آرمان ها و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی به مبارزه ی خود ادامه می دهد. سازمان فداییان (اقلیت)، در سالگرد قیام و سیاهکل، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و عموم توده های مردم ایران را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم

سازمان فداییان (اقلیت) - بهمن ۱۳۸۸

کار – نان – آزادی – حکومت شورایی

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org

آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org